



به نام خدا

# ترجمه موزون جزء سیام قرآن مجید ( بر وزن مثنوی )

مؤلف :

ایوب انصاری

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)  
۱۴۰۱



سرشناسه: انصاری، ایوب، ۱۳۵۷ -

عنوان قرارداد: قرآن. جزء ۳۰. فارسی

Quran. Joz 30. Persian

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه موزون جزء سی ام قرآن مجید (بر وزن مثنوی) /  
مؤلف ایوب انصاری.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۳ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۳۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قرآن. برگزیده ها -- ترجمه ها -- شعر

Quran. Selections -- Translations -- Poetry

قرآن. جزء ۳۰ -- شعر

Quran. Joz 30 -- Poetry

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۵

Persian poetry -- 21st century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۴۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۶۴۵۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

نام کتاب: ترجمه موزون جزء سی ام قرآن مجید (بر وزن مثنوی)

مؤلف: ایوب انصاری

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

چاپ: زبرجد

قیمت: ۶۸۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۳۳-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



بسم الله الرحمن الرحيم

## به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

به لطف خداوند رحمان در این اثر، سعی شده است ترجمه آیات شریفه سوره‌های جزء ۳۰ قرآن کریم در وزن مثنوی (فعولن فعولن فعولن فعول) به نظم درآید. این وزن در ادبیات فارسی بسیار رایج است. در این ترجمه منظوم، از تطبیق و مقایسه ترجمه‌های آیات قرآن مجید توسط دکتر حسین الهی قمشه‌ای، دکتر محمد مهدی فولادوند، عبدالحمید آیتی و آیت‌الله مکارم شیرازی استفاده شده است. همچنین سعی شده است مضمون و محتوای آیات با مطالعه شان نزول آیات و نظر به ترجمه‌های مذکور در قالب نظم (مثنوی) ارایه شود و حتی‌المقدور فرم و محتوا به هم نزدیک باشند که در این راستا از واژگان مترادف نیز جهت رعایت وزن و قافیه استفاده شده است و به حوزه‌های معنایی و مختصه‌های معنایی واژگان حداکثر مذاقه معطوف شده است. همچنین قسمت‌هایی که جهت رعایت مضمون و محدودیت وزنی به ترجمه افزوده شده است در بین دو علامت کروشه یا قلاب قرار داده شده است.

خدایا چنان کن سرانجام کار  
تو خشنود باشی و ما رستگار

ایوب انصاری

۱۴۰۱/۵/۱۱



## فهرست

|                     |    |                     |     |
|---------------------|----|---------------------|-----|
| سوره النبأ .....    | ۵  | سوره القدر .....    | ۹۰  |
| سوره النازعات ..... | ۱۳ | سوره البینه .....   | ۹۲  |
| سوره عبس .....      | ۲۱ | سوره زلزال .....    | ۹۵  |
| سوره تکویر .....    | ۲۷ | سوره العادیات ..... | ۹۷  |
| سوره انفطار .....   | ۳۲ | سوره القارعه .....  | ۹۹  |
| سوره المطففین ..... | ۳۵ | سوره التکاثر .....  | ۱۰۱ |
| سوره انشقاق .....   | ۴۲ | سوره العصر .....    | ۱۰۳ |
| سوره البروج .....   | ۴۷ | سوره الهمزه .....   | ۱۰۴ |
| سوره الطارق .....   | ۵۲ | سوره فیل .....      | ۱۰۶ |
| سوره الاعلی .....   | ۵۵ | سوره قریش .....     | ۱۰۸ |
| سوره الغاشیه .....  | ۵۹ | سوره الماعون .....  | ۱۱۰ |
| سوره الفجر .....    | ۶۳ | سوره الکوثر .....   | ۱۱۲ |
| سوره البلد .....    | ۶۹ | سوره الکافرون ..... | ۱۱۳ |
| سوره الشمس .....    | ۷۳ | سوره النصر .....    | ۱۱۵ |
| سوره اللیل .....    | ۷۶ | سوره المسد .....    | ۱۱۷ |
| سوره الضحی .....    | ۸۰ | سوره اخلاص .....    | ۱۱۹ |
| سوره الشرح .....    | ۸۲ | سوره الفلق .....    | ۱۲۰ |
| سوره التین .....    | ۸۴ | سوره ناس .....      | ۱۲۲ |
| سوره العلق .....    | ۸۶ |                     |     |



## سوره النباء

( سورة ٢٨ - تعداد آيات : ٤٠ )

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (١) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (٢) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (٣) كَلَّا  
سَيَعْلَمُونَ (٤) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (٥) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (٦) وَالْجِبَالَ  
أَوْتَادًا (٧) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (٨) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (٩) وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ  
لِبَاسًا (١٠) وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (١١) وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (١٢)  
وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (١٣) وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (١٤) لِنُخْرِجَ  
بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (١٥) وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (١٦) إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (١٧)  
يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (١٨) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا  
(١٩) وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (٢٠) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (٢١)  
لِلطَّاغِينَ مَنَابًا (٢٢) لَا يَبِثْنَ فِيهَا أَحْقَابًا (٢٣) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا  
(٢٤) إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (٢٥) جَزَاءً وَفَاقًا (٢٦) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ  
حِسَابًا (٢٧) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (٢٨) وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (٢٩)  
فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (٣٠) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَقَارًا (٣١) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا  
(٣٢) وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (٣٣) وَكَأْسًا دِهَاقًا (٣٤) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا



كَذَّابًا (۳۵) جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ  
صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ  
فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا  
قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

به نام خداوند رحمت و مهر

[خداوند هستی و نیلی سپهر]

چه چیزی است [مردم] پرسند [زهم]

[که برتر بود از همه هم و غم]

پرسند از آن خبر که بزرگ

[بود روز محشر، که باشد سترگ]

که [همواره] هستند در اختلاف

[که باشد چنین یا که قولی است خلاف؟]

چنین نیست هرگز که پنداشتند

به زودی بدانند [چه انگاشتند]

[به حتم وقوعش بدانند زود]



و آگاه گردند، بود و نبود]  
و باز هم چنین نیست، [پندارشان]  
به زودی بدانند [انکارشان]  
[به حتم وقوع قیامت رسند]  
به آگاهی و این ندامت رسند]  
مگر این زمین را ندادیم قرار؟  
به آرام و آمنش رسید در کنار  
مگر کوه‌ها را نگردانده میخ؟  
[که گیرد زمین استواری ز بیخ؟]  
و اینکه شما آفریدیم جفت  
[که خلقت پدیدار گشت از نهفت]  
نمودیم خواب بهر آرامشی  
و شب گستراندیم چون پوششی  
مقرر نمودیم روزی، معاش  
که در روز یابید [به سعی و تلاش]  
بنا کرده ایم استوار همچنان



فراز شما، جمله هفت آسمان  
و [خورشید] روشن چراغی ز نور  
که گرما، حرارت [رساند ز دور]  
و نازل نمودیم باران به زیر  
از آن ابرهای فشرده ضمیر  
که روییم بس دانه ها و گیاه  
[ز انواع رنگ و سفید و سیاه]  
برویم باغات انبوه را  
[و رویدنی های بشکوه را]<sup>۱</sup>  
یقین دان همانا که روز جزا  
بود روز میعاد و فصل و قضا  
در آن روز در صور خواهند دمید  
[به اذن خداوند پاک و حمید]  
شما دسته دسته به محشر روید  
[به محشر همه سوی داور روید]



گشوده نمایند هم آسمان  
به صورت درآید چو<sup>۲</sup> درهایی آن  
ز جا می شوند جمله کوه ها روان  
سرابی شوند کوه ها [زاین میان]  
بلاشک جهنم کمینگاهی است  
که بر طاغیان [دار در راهی است]  
[ز دنیا به دوزخ چو کردند ساز]  
بمانند در آن زمانی دراز  
نخواهند نوشید آبی خنک  
نه نوشیدنی باشد [و نه کمک]  
مگر آب جوشان و چرکاب و خون  
سزایند آنان به پاداشِ دون  
که اینان ایمان [به روز حساب]  
نبردند و منکر شدند آن کتاب  
که انکار کردند آیات ما



به تندى وِ حدّت، [کرامات ما]  
 و اما که ثبت است اعمالشان  
 [بد و نیک این عمر چند سالشان]  
 [در آن روز گوئیم به آن منکران]  
 [که باید گشند و] چشند کافران  
 [که پیوسته آنجا ز رنج و] عذاب  
 [بیابند و بیند حساب و کتاب]  
 یقین کامیابی و پیروزی است  
 به پرهیزگاران، [این، روزی است]  
 خرم باغ های [بهشتی، برین]  
 ز انواع انگور [و میوه چنین]  
 و دوشیزگانی که آنجا بود  
 [بسی حور رویان زیبا بود]  
 در آن جام های پر از باده ای  
 [پر از باده ناب آماده ای]  
 نباشد در آن یاوه گوئی، دروغ



[نه تکذیب و انکار دارد فروغ]  
چنین است پاداش پروردگار  
عطا بر حساب است از کردگار  
خداوندگار زمین و آسمان  
و هر چه که باشد در این دو میان<sup>۳</sup>  
همان مهربانی که کس اختیار  
ندارد به چون و چرایش به کار  
به روزی که روح و ملائک به صف  
در آیند [و آیند با یک هدف]  
نگوید سخن جز کسی که خدا  
به رحمت دهد اذن صحبت روا  
کسی را که [از حق] بگوید درست  
[هم از روز آخر و هم از نخست]  
پس آن روز حتمی و بر حق بود  
هر آنکس که خواهد بر این ره شود

---

۳. و هر چیزی که در میان این دو باشد.



ره بازگشت است این راه [و باز]

به سوی خداوند [بنده نواز]

همانا که هشدار دادیم عذاب

که نزدیک باشد [و هم بر حساب]

در آن روز انسان ببیند به چشم

[نه یارای انکار دارد نه خشم]

هر آنچه فرستاده [از خیر و شر]

فرستاده از پیش، دارد نظر

و کافر بگوید که ای کاش، خاک

بُدم [تا نبودم چنین بر هلاک]



## سوره النازعات

( سورة ٧٩ - تعداد آيات : ٤٦ )

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (١) وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (٢) وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (٣)  
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (٤) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (٥) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (٦) تَتْبَعُهَا  
الرَّادِفَةُ (٧) قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (٨) أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (٩) يَقُولُونَ أَيْنَا  
لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (١٠) أَيْنَا كُنَّا عِظَمًا نَحْرَةً (١١) قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ  
خَاسِرَةٌ (١٢) فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (١٣) فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (١٤) هَلْ أَتَاكَ  
حَدِيثُ مُوسَى (١٥) إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٦) أَذْهَبَ إِلَى  
فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (١٧) فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (١٨) وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ  
فَتَخَشَّى (١٩) فَإِذَا هِيَ الْآيَةُ الْكُبْرَى (٢٠) فَكَذَّبَ وَعَصَى (٢١) ثُمَّ أَذْبَرَ  
يَسْعَى (٢٢) فَحَشَرَ فَنَادَى (٢٣) فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (٢٤) فَأَخَذَهُ  
اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (٢٥) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (٢٦) أَأَنْتُمْ  
أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا (٢٧) رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (٢٨) وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا  
وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (٢٩) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (٣٠) أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا  
وَمَرْعَاهَا (٣١) وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (٣٢) مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (٣٣) فَإِذَا



جَاءَتِ الطَّائِفَةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵) وَبُرِزَتِ  
الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶) فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ  
الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى  
(۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱) يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا  
(۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳) إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا (۴۴) إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ  
مَنْ يَخْشَاهَا (۴۵) كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُرَوَّنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

به نام خداوند رحمت و مهر

[خداوند هستی و نیلی سپهر]

قسم به آن ملائک، [زما برترند]

به سختی ز بدکار جان می برند

و سوگند بر آن ملائک [که هم]

به نرمی ز نیکان برند جان [و دم]

و بر آن ملائک که نازل شوند

شتابان به فرمان حق می روند

و آنان که سبقت بگیرند زهم

در ایمان و طاعات [بی بیش و کم]



و آنان که تدبیر دارند امور  
به اذن خداوند [با شوق و شور]  
به روزی که لرزد همه چیز و کس  
به سختی بلرزند چون [خار و خس]  
دگر لرزه آید به پی همچنین  
چه دل‌هایی آن روز باشد [حزین]  
فرو افتد آن روز چشمانشان  
ز ترس و هراسی [که بر جانسان]  
بگویند [بعضی] که آیا توان  
پس از مرگ برگشت باز این جهان  
که آیا پس از مرگ این استخوان  
که پوسیده و ریز گشت [و نهان]  
حیاتی دوباره توان یافتن؟  
[دوباره توان استخوان یافتن؟]  
و گویند روز جزا گر بود  
[حیاتی دوباره در آخر بود]



زیان بار باشد حیات دگر

[به فرجام اعمال از این رهگذر]

همانا جز این نیست این بازگشت

به بانگ عظیمی [که آید به دشت]

که ناگاه حاضر بگردند همه

به هموار جای، [پر از واهمه]

شنیدی تو آیا از این سرگذشت؟

ز موسی، ندایی [که بر او گذشت]

در آن جای قدسی [که نامش] طوی است

[مکانی مقدس ز ملک خداست]

بگفتش که رو، سوی فرعون، که او

به عصیان و طغیان گردانده رو

بگویش که پاکیزه خواهی شوی؟

ز شرک و ز عصیان و طغیان [رهی]؟

تو را ره نمایم ره کردگار

بترس از خداوند و عصیان مدار



نشان داد پس معجزی بس سترگ

[به فرعون، موسی رسول بزرگ]

ولی باز تکذیب و عصیان نمود

[به حق پشت کرد]، باز طغیان نمود

به سعی و تکاپو به پیکار شد

به قومش ندا داد و در کار شد

به قومش چنین گفت: اعلی منم

[خداوند اعلی هر جا منم]

پس آنگاه خداوند آورد عذاب

[عذابی که آخر نمود غرق آب]

یقین عبرتی باشد این سرگذشت

بر آنکس بترسد از این [بازگشت]

[هر آنکس که خلقت نموده است و مرگ

تواند که باز آرد از تیره ترگ<sup>۴</sup>]

---

۴. در لغت نامه دهخدا «تیره ترگ» به معنی کلاهی تیره یا خودی سیاه است که کنایه از خاک سیاه و خاک گور نیز می باشد که در این بیت فردوسی استفاده شده است:



و آیا که خلق است دشوارتر؟  
و یا آسمان و بنایش مگر؟  
برافراشت سقف و نکویش نمود  
شبش تار کرد، روز روشن گشود  
پس از آن زمین را بگسترده نیز  
مرا تع بگسترده و آبی [تمیز]  
نموده است کوه‌ها بسی استوار  
و آب و گیاهان آورده بار  
که بهره رسانند [انسان] و دام  
[همین کوهساران، حیات و دوام]  
پس آنگاه، که آن حادثه در رسد  
بزرگتر ز هر واقعه سر رسد  
در آن روز یاد آورد آدمی  
هر آنچه نموده [زیبیش و کمی]  
در آن روز دوزخ شود آشکار



به هر کس که بینا بود، [هوش دار!]

هر آنکس به طغیان زاو سر نهد

و دنیا ز عقباش برتر نهد

همانا که دوزخ بود جای او

[همین است پاداش بر رای او]

هر آنکس بترسد ز پروردگار

نگه دارد این نفس [در گیر و دار]

هوا و هوس را براند ز خود

و غافل ز نهی از هوس ها نشد

همانا یقین جایگاهش بهشت

[بود نیک کردار، نیکو سرشت]

و همواره پرسند از تو زمان

که کی گردد آن روز محشر [عیان؟]

چه حاصل به یادآوری کردنش

پس از بارها گفتن و گفتنش

زمانش بود دست پروردگار



[که او داند آغاز و پایان کار]

رسالت تو را بس به بیم کسان

که همواره ترسند از این زمان

چو آن روز بینند محشر به پای

چنین می نماید که در هر سرای

توقف نکردند جز یک پگاه

و یا اینکه یک شب و یا شامگاه